**شاهزاده بی تاج و تخت!**

**حسن صالحی**

برای هر شاهزاده ای هیچ چیز غم انگیزتر از آن نیست که بدون تاج و تخت باقی بماند حتی اگر او خودش را به کوچه علی چپ بزند و خلافش را بر زبان بیاورد. چند وقت پیش که رضا پهلوی پسر شاه سابق ایران در برنامه "میدان" تلویزیون "ایران اینترنشنال" مورد مصاحبه قرار گرفت ما به این پی بردیم که علیرغم تبلیغات سنگین برخی رسانه های فارسی زبان به نفع او، شاهزاده چقدر برای آلترناتیو شدن مشکل دارد.

ایشان که از کودکی برای "مملکت داری" پرورش داده شده است صادقانه گفت درب ِهر دولت سرمایه داری و در راس آن آمریکا را که زده است و درهر دالان سیاستمدار سرمایه دار که قدم گذاشته همگی از نبود آلترناتیو و بنوعی از عدم کارایی آلترناتیو دست راستی ایشان حرف زده اند. رضا پهلوی به ما اعلام کرد که "آنها نیرو دارند ولی اراده و یا شاید هم اراده واحد ندارند". از آن رو ایشان فعلا عطای مملکت داری را به لقایش بخشیده است و مشغول "اراده سازی" است. لابد زمانی که "اراده" ایجاد شد ایشان هم با "فروتنی" تمام که شایسته یک شاهزاده قرن حاضر است به تاج و تخت موروثی خود خواهد رسید!!

انصافا شاهزاده در این "مصاحبه میدانی" برای جلب رضای خدای سرمایه در غرب هم کم نگذاشت. ایشان اطمینان خاطر داد که ماشین دولتی سرمایه داری را بهمراه نیروهای نظامی دست نخورده باقی نگه خواهد داشت. همانطوری که مثلا خمینی ارتش و زندانها و شکنجه گاهها را حفظ کرد. او گفت که امنیت سود آوری سرمایه گذاری در ایران را حتی بهتر از زمان پدرش تضمین خواهد کرد. و مسئله تمامیت ارضی ایران را هم مثلا با دادن هویج "ساختن مساجد سنی" به "کردها" و لابد با کمک همان نیروی نظامی که قرار است حفظش کند، تضمین خواهد کرد.

جالب اینجا بود که شاهزاده همه این تضمین ها را داد بدون آنکه ما را به تصمیم گیری هیچ نیروی متخصص و تکنوکراتی حواله بدهد. وقتی از او چند باز در مورد نقشه راه پرسیدند ایشان جوابی نداشت چرا که واقعا نمی داند اگر بفرض غرب روی او حساب باز کند از چه طریق مشخصی قرار است به قدرت رسانده شود. و یا مثلا وقتی که صحبت از حل مسئله بیکاری و یا حقوق بشر و وضع اقتصادی خراب مردم شد ایشان زبانش لال شد و اعلام کرد که در این رابطه تخصص ندارد و در آینده "ازما بهترانی" در این مورد جوابگو خواهند بود. و البته در قاموس فرهنگ سرمایه داری فقط نیروهای متخصص دست پرورده نظام سرمایه داری می توانند در باره سیاست و اقتصادیات جامعه سخن بگویند چرا که حقیقتا رنگ کردن گنجشک و فروش آن به جای قناری هم تخصص زیادی لازم دارد. وگرنه روشن است که پاسخ دیکتاتوری برای مردم عادی آزادی است، پاسخ بدبختی رفاه است و پاسخ بیکاری کار و یا تامین معاش است. راه حل ها هم باید راه حل رسیدن به آزادی و رفاه و تامین زندگی مردم باشد. اما اگر کسی آرزویش این باشد که یک عده مفتخور دیگر را سر کار بیاورد و تسمه از گرده کارگر بکشد و سلطنت و اشرافیت را راه بیندازد، حتما مثل رضا پهلوی به "متخصصین" و شارلاتانهایی نیاز دارد که بتواند با پررویی همینها را بعنوان "نیاز جامعه" جا بزنند.

مشکل آلترناتیو دست راستی سلطنت طلبی یکی دو تا نیست. ولی بطور قطع همانطور که رضا پهلوی هم گفت "اراده" صفوف پراکنده شان و مقبول شدن این نیرو نزد قدرتهای بزرگ سرمایه داری است. تجربه تلخ شاه و سلطنت در ایران نیز از حافظه تاریخی مردم محو نشده است. نهاد سلطنت و پادشاهى به شهادت تاريخ بر گنجينه اى از ارتجاعى ترين وخرافى ترين باورها و بيرحمانه ترين ستمها بر مردم تکيه دارد. نظام شاهى به هر زمان که تعلق داشته باشد بيانگر زورگويى و خودکامگى و نشانه بى حقوقى و بى اختيارى انسان است. اين طرز تفکر مبتنى بر سرورى يک اليت سياسى و فرودستى مردم است و به باید به موزه تاریخ سپرده شود.

اگر آلترناتیو راست اراده جایگزینی جمهوری اسلامی را ندارد اما چپ کمونیسم کارگری این اراده را دارد. آلترناتیو چپ نه فقط این اراده را دارد بلکه تنها پاسخ واقعی به شرایط اسفبار کنونی و نجات مردم از فقر و نداری و خفقان و سرکوب است.